وَ اِنْ خَذَلْتَنی فَمَنْ ذَا الّذی یَنْصُرُنی...

و اگر تو خوارم نمایی چه کسی یاریم خواهد کرد ...

عزّت به دست خداست

چون عزت از ناحیه خداست، اگر او دریغ فرماید، بنده به جُز از خداوند صاحب عزت از چه راهی می تواند، کسبِ عزت نماید.

عزیزی که هرکه ز درش رو بتافت به هر در که رفت هیچ عزّت نیافت

سعدی

و چون ذلت و خواری نیز از سوی اوست، اگر او بنده ای را ذلیل نماید، چه کسی جز او می تواند، بنده را یاری رساند:

چاره ما ساز که بی چاره ایم گر تو برانی به که روی آوریم

نظامی

حکایت

مورخان نوشته اند: در تاریخِ خلفای عباسی، اَلْقاهِرُ بِاللّه برادر الْمُقْتَدِر بِاللّهِ، تنها دوسال سلطنت کرد که خلافتش شامل سرزمین های ایران و عراق و حجاز و مصر وسوریه و غیره می شد.

گروهی از اَتراک ریختند، او را کور کردند و از خلافت عزلش کرده و اموالش را هم بردند. روزی در مسجد جامع بغداد، او را دیدند که به واسطه کوری عصایی به دست گرفته و در صف جماعت، می گردد و می گوید: رحم کنید بر کسی که دیروز بر شماحکومت می کرد و امروز به کمک شما نیازمند است(شهید آیت الله دستغیب، سرای دیگر، ص 76).

چه نیکو در قرآن آمده است:

قُلِ اللّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُوءْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْتَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ: بگو! بار خدایا ای پادشاهِ مُلکِ هستی، تو هر که را که خواهی مُلک و سلطنتعطا می کنی و از هر که خواهی، سلطنت را می گیری، و هر که را خواهیعزت دهی و هر که را خواهی خوار می کنی. تمامِ خیر، تنها به دستِ توست. بهدرستی که تو بر هر چیزی توانایی. (آل عمران: 26)

حوزه نت